

کتاب

# اصحاب استجاره و مسجد سہلہ

## ﴿آیت الله میرزا حسین خلیلی، و عمل استجاره در مسجد سهله﴾

**اشاره:** ایشان از شاگردان صاحب جواهر و شیخ انصاری بوده، و خودش از مراجع ثلاثه نجف در مبارزه با استبداد، و زعیم مرجعیت بعد از فوت میرزای شیرازی بزرگ (رهبر نهضت تحریم تنباکو) گردید، گستره مقلدان او از عراق و ایران تا دیار هند رسید. میرزا خلیلی؛ پدرشان ضمن مقامات علمی دینی و فقهی (شاگرد صاحب قوانین و صاحب ریاض و کاشف الغطاء) از اطباء بزرگ و از زهاد بود، و مهارت او در طب؛ سبب شهرت او به "طیب مرده زنده کن" شده بود، نام او (خلیل) لقب ذریه اش قرار گرفت (خلیلی)، سه فرزند طیب و دو فرزند فقیه داشت. میرزا خلیلی، به توفیق تشرّقاتی نیز نائل شده، و به مستجاب الدعوه بودن هم شهرت داشت.

﴿ در این رابطه نقل شده که دعا کرده بود: "خدایا هیچ يك از فرزندان مرا از اطرافیان سلاطین قرار نده و به دربار شاهان دست نیابند و اگر از اطرافیان سلاطین شدند، قبض روحشان بفرما. آورده اند که فرزند وی میرزا محمد مشهور به "فخر الاطباء" چون در تهران از پزشکان حاذق به شمار می آمد، شاه قاجار از وی درخواست کرد که از طبیبان دربار شود. اما گفته شده که به فلج مبتلا شد و قبل از آن که در دربار خدمتی کرده باشد دار فانی را وداع گفت.

﴿ مرحوم فاضل ادیب نورانی آقا سید محمد حسن قاضی فرزند مرحوم آیت الله سید علی قاضی، نقل می کرد: میرزا حسین خلیلی؛ مجز فقه؛ استاد تهذیب اخلاق مرحوم قاضی نیز بود، و مرحوم والد زیاد از میرزا حسین سخن گفته و ستایش می نمودند، هرگز ندیدم آن گونه که شیفتگی که به ایشان داشت شیفته دیگری (کسانی که به آنها اعجاب و احترام داشت) باشد، هرگاه نام ایشان نزد او برده می شد، دچار بهت و سکوت عمیق می شد.

مرحوم آیت الله میرزا حسین خلیلی به مسجد سهله علاقه فراوان داشت و بر عمل استجاره و بیتوته در مسجد سهله مواظبت می کرد. و مکررا برای عبادت و اعتکاف به این مکان مقدس می رفت. یکی از آثار ارزشمند عمرانی ایشان، نوسازی مسجد سهله و کوفه بود، و به اندازه ای ملازم این مسجد مقدس بود؛ که در همان مسجد شریف نیز هنگامی که در مسجد سهله مشغول عبادت پروردگار و دعا و راز و نیاز به درگاه بی نیاز بود، جان را به جان آفرین تسلیم کرد. و به دیار باقی شتافت.

مرحوم آیت الله میرزا حسین خلیلی از رهبران اصلی نهضت رفع استبداد حکومت قاجار و مشروط نمودن سلطنت و حکومت به قانون اساسی کشور بود، با تلاشهای آن مرحوم؛ مطلقه بودن حکومت و سلطنت و رسمی بودن استبداد حکومت به رأی شاه برطرف شد، و مجلس شورا تاسیس گردید، و مظفرالدین شاه قاجار آنرا رسماً اعلام نمود.

اما با به سلطنت رسیدن محمد علی شاه؛ سیر پیشرفت امور نهضت مشروطه متوقف؛ بلکه معکوس گردید، پس از آنکه محمد علی شاه مجلس را به توپ می بندد (۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ هـ.ق)، مراجع نجف اعلامیه ای را مبنی بر عدم مشروعیت سلطنت محمد علی شاه صادر می کنند: {الیوم همت در رفع این سفاک جبار (محمد علی شاه) و دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین از اهِم واجبات و دادن مالیات به گماشتگان او از اعظم محرمات، و بذل جهد در استحکام و استقرار مشروطیت به منزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه و سر موی مخالفت و مسامحه به منزله خذلان و محاربه با آن حضرت صلوات الله و سلامه علیه است}. ستارخان با شنیدن حکم علمای نجف کمر همت به اجرای آن بست، و در این راه از یاری دوست خود باقرخان نیز بهره برد.

**جنبش منع تحریف مشروطه:** مرحوم آیت الله شیخ فضل الله نوری که از نزدیک احوال مشروطه را رصد می کرده؛ زمینه های انحرافات قانونی در مصوبات مجلس را مشاهده؛ و برای صیانت آن متمم قانون اساسی حاوی نظارت پنج تن از فقهاء طراز اول کشور بر مصوبات مجلس را به تصویب مجلس می رساند (۲۹ ربیع الآخر ۱۳۲۵ هـ.ق)، و علمای نجف هم از اقدام ایشان حمایت می کنند. جنبش اصلاح مشروطیت در ایام فاطمیه (جمادی الأولى ۱۳۲۵ هـ.ق) شروع شده، و با مهاجرت شیخ فضل الله و جمع بسیاری از علماء و روحانیون به حضرت عبد العظیم این جنبش به اوج خود می رسد، پس از بروز پاره ای انحرافات در نهضت مشروطه، مرحوم میرزای خلیلی تهرانی از حمایت مشروطه اظهار پشیمانی می کند. در همین ایام شیخ فضل الله نوری در اجتماع بزرگ روحانیون، رجال و بازرگانان تصریح کرد که {این مشروطه (با رویکرد تحریفی) با شریعت اسلامی سازگار نیست}. استعمار انگلیس که نگران شکست پروژه انقلاب محملی و مقاصد تحریفی خود در نهضت مشروطه بود، هشیاری و موضع گیری مراجع و علماء و آگاهی عمومی تدریجی مردم در برابر تحریف مشروطه را؛ بزرگترین خطر و مانع خود دید، فلذا اقدام به حذف فیزیکی رهبران دینی مشروطه توسط ایادی داخلی خود نموده، و تیمی را برای کشتن علمای حامی مشروطه در نجف می فرستد، (مقصد کشتن آیات میرزای خلیلی و آخوند خراسانی و مازندرانی بوده است)، این تیم نسبت به قتل مرحوم خلیلی موفق شده، اما چون تیم مزبور لورفته و سه نفرشان دستگیری شوند، ولذا کشتن دو نفر دیگر (آیات خراسانی و مازندرانی) منتفی می شود. دو ماه بعد هم مرحوم شیخ فضل الله نوری در تهران ترور می شود، که ایشان از خطر مرگ نجات یافته، و مجروح شده، و ضارب دستگیر و ارتباطش با سفارت انگلیس و حمایت آنها از او بر ملا و مکشوف می گردد.

اما واقعه شهادت و رحلت مرحوم میرزای خلیلی در مسجد سهله: در چند روز منتهی به وفاتش ایشان در آنجا بود و حالت اعتکاف داشت، مرحوم حاجی (میرزا حسین خلیلی تهرانی) دهه آخر رمضان المبارک ۱۳۲۶ هـ.ق به قصد اعتکاف به مسجد سهله حرکت نمودند. و در شب بیست و هفتم بعد از افطار که مرحوم حاجی آب می‌طلبید، آب (شرب) آن مرحوم را مسموم می‌نمایند، فوراً حال ایشان منقلب می‌شود. همراهان ایشان که خبر از جایی نداشتند از شهر طبیب حاضر می‌نمایند. طبیب بعد از تأمل در حال آن مرحوم مشخص می‌دارد که ایشان را مسموم نموده‌اند. معالجات سودمند نشده، و سرانجام در زمان بین الطلوعین، از روز جمعه دهم شوال سال ۱۳۲۶ هـ.ق رحلت کرد، درباره مرگ او که به موت طبیعی نمرده و او را به زهر مسموم نموده‌اند. شواهد متعددی بود از این رو ایشان را به القاب "شهید اکبر" و "ذبیح عظیم" یاد می‌کردند، چنانکه میرزا محمد فرزند آیت الله آخوند خراسانی مکرر این مطلب را ذکر کرده‌اند. البته اسناد و گزارشات دیگری هم در دست است که مؤید قول به شهادت اوست. پنج نفر نیز به اسم اعتکاف و به صورت ارادت با مرحوم حاجی به مسجد سهله رفتند، وی را مسموم کرده‌اند، بخصوص وجود یک جاسوس خود فروخته به نام صدر راونجی در این بین حائز اهمیت است. راونجی در همان ساعات پایانی رحلت میرزا حسین به مسجد سهله رفته و میرزای رازی (حسین خلیلی) آب و چایی نوشانیده و ایشان مسموم شده است.

(طبق تعبیر متون آن زمان) حضرت حجت الاسلام آقای آخوند خراسانی و سایر حجج اسلامیه بعد از اطلاع از حقیقت امر، صورت واقعه را به باب‌عالی (دربار حکومت عثمانی حاکم عراق) تلگراف می‌نمایند. از باب‌عالی به والی بغداد حکم می‌شود که مرتکبین را مأخوذ داشته و روانه بغداد کنند تا تحقیق

و استنطاق کنند. چون (دو نفرشان) روز همان شب به کربلا فراری نمایند، لهذا آن سه نفر دیگر را گرفته مغلولاً روانه بغداد می‌کنند... از قرار معلوم قصد آنها منحصر به هلاک حاجی نبوده.



پیکر مطهر آیت الله حاج شیخ حسین خلیلی را پس از غسل در فرات و انجام بقیه مراسم وارد مسجد کوفه کردند، و بعد از طواف به دور قبر مسلم بن عقیل بر شانه طلاب علوم دینی و سایر شیفتگان ولایت و امامت، به نجف به درب حرم ابوالائمہ الطاهرین علیهم السلام حمل نموده. پس از طواف دادن پیکر این عالم بزرگ دور قبر مطهر حضرت علی علیه السلام و اقامه نماز بر او توسط شیخ محمد خلیلی (فرزند

ایشان)، در میان غم و اندوه دوستداران اهل بیت علیهم السلام در یکی از مدارس خود در محله "العماره" نجف در مکانی که متصل به مدرسه معروف "قطب" است و قبلاً برای محل دفن خویش تعیین نموده بود، به خاک سپردند و مرقدش هم اکنون مزار مردمان اهل دل است. با درگذشت وی بازار تهران و شهرهای دیگر ایران هم زمان با شهرهای عراق، تعطیل و مردم در مساجد و تکایا به عزا نشستند و شاعران در رثای وی مرثیه سرودند.

امام خمینی: { شما تاریخ انقلاب مشروطه را بخوانید و ببینید در انقلاب مشروطه چه بساطی بوده است... با اینکه انقلاب، تغییر رژیم سلطنتی نبود، فقط این بود که سلطنت استبدادی يك قدری محدود بشود، و روی قوانین مشروطه باشد، شما توجه کنید که چه جنایاتی واقع شد و چقدر کشتار از مردم صالح و از مردم دیگر واقع شد... } صحیفه امام ج ۱۵، ص ۹۲.

# پژوهشگده ها و آموزسگده هاي بنياد حيات اعلى

علوم معرفت الهى - علوم زبان وحى - علوم كلام وحى

علوم تلاوت كلام وحى - علوم كلام خازنان وحى - علوم فقه آئين الهى

علوم تقويم نجوم تخيم - علوم طب جامع - علوم پاكزيستى

آموزش برتر (اعلى) - علوم برتر (اعلى) - علوم توانمندی بانسروى الهى

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسى - رسانه هاي حيات اعلى

طرح و برنامه ريزى پژوهشى و مديريت و اشراف علمى

## دار المعارف الإلهية

نشر ششم: يازدهم جمادى الآخري ١٤٣٧

[www.Aelaa.net](http://www.Aelaa.net)

[aelaa.net@gmail.com](mailto:aelaa.net@gmail.com)

# والحمد لله رب العالمين